



• چهارشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۴۹

حدیث روز

امام جواد(ع): کسی که به دلخواه توره‌های رشد و ترقی را از توپنهان می کند، با تو دشمنی کرده است. (یعنی اگر با تو دوست باشد، راه‌های خبر و صلاح را به تو نشان خواهد داد) بشار الانوار

ذکر روز چهارشنبه
صدمرتبه «یا حی یا قیوم»

در محضر بزرگان

در جوانی خود را مسلح کنید

آیت... جوادى املی می فرماید: برخی افراد تا هنگامی که مشغول کارى نیستند، سالک گونه اند، ولى وقتی به رفاه یا مقامى مى رسند، آن صلاح و سداد [راستى و درستى] را از دست مى دهند. اما اگر کسی در دوران جوانی و در دوران تحصیل خود را با استمرار مراقبت و محاسبت کاملاً بسازد، وقتی به سمتی برسد مسلحانه آن سمت را می پذیرد و بدین خاطر اموری مانند رشوه، وعده و وعید اورا تهدید نمی کند.

پایگاه اسراء

کار یکلماتور

سید مصطفی صابری

• یاد و پرف، «سلاح سرد» زمستان است.

• حقوق بشر که کم شد، برای گذران زندگی اضافه کاری کرد.

• گوش من شکارچی واژه های توست.

• به بهانه های خنده اش می گریست.

• آن قدر ناز ترا خوب کشیدم که ماجر اتابلو شد روی دیوار!

قرار مدار



اندکی صبر

پارو شکسته

حسین میرزا حسینی

قایم، شکسته پارویم

و به آبشار نزدیک

کاری کن، یا پارویم شو

یا تکه هایم را

در پایین رودجست و جو کن...

فتو کاتور

دنیا به روایت تصویر



رویترز| اعضای تیم نجات سیل زدگان، برزیل

اف. سی. خانجون

موسسه تر میم پوست دکتر تقوی



مهرشاد مرتضوی | طنزپرداز

دکترم میگه واسه من هیچی بهتر از هوای آزاد نیست. خودمم اعتقاد دارم آدم باید بره توفضای باز، تو این شهر بدبوی پر از دودو سروصدا نفس بکشه، دودرو بده توریه‌هاش، حالش به هم بخوره، بره آبی. سی. یو.نوه نتیجه‌هاش بیان بهش سر بزین. همین طوری که نمایان ذلیل مرده‌ها. میگم بباین به خانجون تون سر بزین، میگن «خانجون وقت نداریم، بیا ایموب بدیم حرف بز نیم!» ما بچه بودیم پامونو جلو بزرگ‌تر دراز نمی کردیم! دیگه به تجویز دکتر، فوتبال سالنی رو گذاشتم کنار و اومدم جایی که تخصصم بود، چمن ورزشگاه! این ورزشگاه تازه تاسیس هم که خوراک بازی تکنیکی و روی زمین منه. دیگه تمرینات مون رو شروع کردیم برای مسابقات لیگ بانوان پیش کسوت کشور. خوشبختانه گفتن ورزشگاه هم می‌تونه مسقف بشه و احتمال این که به نفر تو هواپیما از ارتفاع بیست هزارپایی مارو ببینه و مشکل پیش بیاد هم نیست.

دلتون نخواد به اوج آمادگی رسیدیم و رفته‌یم برای مسابقه اول. همین که پامون رو گذاشتیم توزمین، دیدیم تیم مقابل زیادی جوونه! اول رفتن سمت داور، گفتن ننه جان اینا چرا این قدر جوونن؟ در دست اومدن؟ مسابقات پیش کسوتانه‌ها! داور رفت کاغذهاش رو چک کرد، با ناظر مسابقه حرف زد، اومد گفت درسته مشکلی نداره. رفتن سمت تیم مقابل، دم گوش یکی شون گفتن: «شیطونا شناسنامه جعل کردن؟ کبر سن گرفتن به مسابقات بر سین؟» کلی ذوق کرد و گفت: «وای پوستم خوب شده؟ دکتره گفت اصلا معلوم نمیشه‌ها. دست و پنجه‌اش طلا.» دوباره پرسیدم: «واقعا رفتی تر میم پوست؟ پیش کی آخه؟» گفت: «دکتر تقوی.» باز پرسیدم: «کی؟» – دکتر تقوی + کجانه؟ –

دکتر تقوی

دکتر تقوی!

البته فکر نکنن واسه ستون مون تبلیغ گرفتیم خرج تیم دربیادها! گوشم سنگینه. چی؟ الکی میگم؟ آره اصلا تبلیغ گرفتیم. می‌تونم، می‌گیرم. خرج دوا در مون من رو با این چندرغاز حقوق بازنشستگی تومیدی!! ادامه دار...

منتخب‌های چی شده؟

ببرها زیر فشار گرانی گوشت!



سلام. استقبال این هفته خوب بود، نود درصد پیامک‌ها هم درباره گرانی گوشت بود! ممنون از همه دوستانی که درست و طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. چندتا از جمله‌های بانمک تر و انتخاب کردیم که می‌خونید. دمتون گرم و خوش باشین همیشه.

• دهنتر رو باز کن ببینم دندون شیر ی هات نیش نزده آش دندونی بدم؟ وای خدا، فکر کنم اون گوشت گرونا اثر کرده، همه با هم نیش زده!

• فرهاد دوست علی – چرا کولر خاموش می‌کنی؟ هوا خیلی گرمه! + همین کارها رو می‌کنید شما جوون‌ها که از فردا برق رو هم با کارت ملی باید بدن به ما!

• رضا عرب، روستای زوزن یقه‌مه ول کن بره... موگوم مو دست توی جیب تو نکر دم... ولم کن اعصاب ندارم!

• محمد آبروان، شهرک شهید رجایی در کلینیک دندان پزشکی: -خب عزیزم دوست داری بزرگ شدی چیکاره شی؟ + آه... آه... آه... به به عالیه!

• وقتی که سید کالا بهت تعلق نگرفته و پسر ت بهت دل‌داری میده!

• حسن طیرانیان، چناران – بابا! باشگاه گفته باید کیسه بوکس بخری تا تمرین کنم. + پولم کجا بود پسر! دهنم رو با می‌کنم بیا با زبون کوچیکم تمرین کن.

• -این بوی بد تهرانه یا دهن تویه که داره بوی بد میده؟! • سید حسین آروند • زورت میاد بهم پول بدی برم لیام رو بوتا کس کنم، اون وقت میری واسه خودت دندون طلا می‌ذاری؟! • حسن خسروانی

تایخند

- نوشته عصر امروز کی‌روش با کاروان فوتبال به ایران بازمی‌گردد. چرا؟ قاعدتا باید مستقیم بره کرواسی، ببخشید پرغال!
- بیست سال دیگه به بچه‌هام میگم شما یادتون نمیداد زمان کی‌روش درسته جام نمی‌گرفتیم ولی به پیکه لایی می‌زدیم!
- کاش امشب زیدان خواب مادر مرحومش رو ببینه که با گریه بهش میگه اگه نهایتا تایکی دوروز دیگه نری ایران با تیم ملی شون قرارداد ده‌ساله با قیمت مناسب نبندی، شیرم رو حلاوت نمی‌کنم!
- ولی یادمون باشه یه زمانی گرفتن یک ست از کره و ژاپن هم برامون آرزو بود!
- کاش جای اون تشویق ایسلندی که خیلی خوب یاد گرفته بودیم یه کم هم قدرشناسی ایسلندی رو یاد می‌گرفتیم!
- معلوم بود که ژاپن می‌بره، اونا از بچگی شون سوباسا اوزار اووا کاشی زوما و تارو میساکی داشتن، ما چی داشتیم؟ سمندون و چاق و لاغر و دون‌دون!
- تنها چیزی که مونده بهش افتخار کنیم آلمانی حرف‌زدن خیابانیه!
- رفیق پیدا کردن هزینه‌اش یه استکان چای، و خط سلام علیک و یه فوتبال ۹۰ دقیقه‌ایه، نگه داشتنش دل‌ریایی می‌خواد!

دور دنیا

فروش دستمال آغشته به عطسه!



آپتی سنترال - شرکت آمریکایی wellnessbrand دستمال کاغذی گران قیمتی را می‌فروشد که آغشته به عطسه فردی با ویروس‌های مختلف سرماخوردگی است! مردم هم حاضرند برای هریک عدد دستمال بیماری را ۸۹ دلار بدهند

تا زودتر به ویروس آن بیماری مبتلا شوند و بعدا ه‌دچارش نشوند! طراح این دستمال‌ها می‌گوید افرادی هستند که دوست دارند زمان بیماری‌شان را خودشان انتخاب کنند و برای همین برای یک بیماری ویروسی پول می‌دهند!

لذت غذا خوردن در رستوران با ربات پیشخدمت



ای بی سی - تصور یک رستوران با پیشخدمت‌های رباتیک که به مشتری‌ها خدمات ارائه بدهند تا همین چند سال پیش فقط در فیلم «عصر جدید» چارلی چاپلین امکان پذیر بود، اما امروزه به لطف پیشرفت چشمگیر فناوری، در بعضی کشورها موضوعی عادی است. ممکن است ربات‌ها در پخت سیب زمینی سرخ کرده و استیک آبدار هنوز قابلیتی پیدا نکرده باشند اما قطعا در سرو غذا و یک خوش آمدگویی رباتیکی بی‌نقص‌اند. مدیران رستوران زنجیره‌ای چینی «هما» در نمایشگاهی خدمات این ربات‌ها را در معرض دید عموم قرار دادند. با سفارش غذا به وسیله تلفن همراه، این ربات‌های گنبدی شروع به توزیع ظرف غذا می‌شوند و برای مشتریان آرزوی اوقات خوشی می‌کنند.

شعر طنز

مرحبا کی‌روش!

امیر حسین خوش حال | شاعر و طنزپرداز

اهل گفتار ناروا کی‌روش
بار دیگر از آسیا شد حذف
قیمتش چون مربیان بزرگ
با یمن نه چه خوب بازی کرد!
از کمی توقعات ما قطعا
عامل حذف: تیم قرمزپوش!
بعد این قدر جنگ و درگیری
«کی‌روشی‌پور» گشته مداحش
می‌رود باروند ناگامش
پول در این وطن فراوان است

حق به جانب و «مُدا» کی‌روش
برده ما را به ناکجا کی‌روش
هست بی‌جام، منتها کی‌روش
همه گویند: مرحبا کی‌روش!
خنده دارد به ریش ما کی‌روش
باعث جنگ در فضا: کی‌روش
گشته حلالز ما جدا کی‌روش
صاحب ماتم و عزا کی‌روش
حال سمّت کلمبیا کی‌روش
باز هم پیش ما بیا کی‌روش!

ماوشما

• لطفا یکی از این آموزش‌های شعیده بازی را در حضور دیگران انجام بدین، اگه توفیقی داشتن و جالب بود ادامه بدین، والا حیف وقت و این که هیچ کدام هم قابل نمایش نیست.

• پرونده‌های مجهول بسیار جالب و هیجان انگیز است،

شماره تلگرام
همشهری سلام
برای سوره‌های شما:
۰۹۲۵۳۹۲۵۶۶



تلگراف| پاندهای لگویی در نمایشگاه، انگلستان

تفال

دوش بیماری چشم تو ببرد از دستم

لیکن از لطف لب‌ت صورت جان می‌بستم
عشق من با خط مشکین تو امروزی نیست

دیرگاه است کز این جام‌هال‌لی مستم

از اون لحاظ

خدا را شکر هست!

محمد امین فرشاد مهر | طنزپرداز

چند روز پیش وزیر محترم کشاورزی در پاسخ به سوالی که مجری درباره وضعیت بفرنج گوشت و مرغ پرسید، گفتند خدا را شکر کنید که هست! خب سوالی که مطرح می‌شود این است که تحت چه شرایطی ممکن است نباشد؟ مثلا ممکن است دام‌زنده برای چرا در مقاطع بالاتر، به مراتع خارج از کشور بروند؟ یا مثلا مرغ‌ها قصد ادامه تحصیل داشته باشند و حاضر نشوند با ما زیر یک سقف بایزند و سر سفره‌ها مان بنشینند؟ مسئله دیگر هم این است که اگر ما همین فرمول را روی سایر معضلات مان هم پیاده کنیم، نتایج خارق‌العاده‌ای خواهیم گرفت. مثلا در مورد آلودگی هوا، خدا را شکر کنید همین هم هست. اصلا شما مایه‌های آب‌های آزاد را ببینید؛ دو مثال هوای آلوده هم در محیط زندگی‌شان پیدا نمی‌شود. اصلا از بس دنبال مقدار کمی هوا موس موس کرده‌اند، لب‌هایشان غنچه شده. یا در مورد معضل بیکاری، خدا را شکر کنید که هست و گرنه معلوم نبود جوان‌ها سرشان به چه کاری گرم می‌شد. می‌بینید منطق چه حال و روز زیبایی پیدا کرده؟ اصلا چندروزی است با این نگاه، باب جدیدی در بحث نیمه‌پر لیوان باز شده. برای همین بنده داستانی کوتاه روایت می‌کنم:

روزی از روزها در یکی از بیابان‌های بی‌آب و علف، مردی تشنه روی زمین افتاده بود و با ناله تقاضای آب می‌کرد. دور رهگذر هم‌زمان به اورسیدند. یکی از آن‌ها برای کمک سراغ لیوان آبی که بنده به عنوان نویسنده قصه همان وسط بیابان قرار داده بودم، رفت. رهگذر دوم به او گفت: «چه می‌کنی؟» رهگذر اول گفت: «دارم تمرین سالسا می‌کنم! خب می‌خواهم این لیوان آب را به مرد تشنه برسانم تا سقط نشود.» رهگذر دوم گفت: «اما این لیوان که خالی است!» رهگذر اول گفت: «کوری مگر؟ این لیوان پر از آب است.» رهگذر دوم مجددا گیر داد که نه این لیوان خالی است. ساعت‌ها این بحث ادامه داشت تا خورشید غروب کرد و دوباره طلوع کرد و به عمودترین نقطه در آسمان رسید. مرد تشنه حاضر بود زودتر از تشنگی بمیرد اما ریخت نخس آن دور رهگذر را نبیند. بعد از گذشت ساعتی، رهگذر سوم وارد کادر شد و بادی در غیغب انداخت و گفت: «بودن یا نبودن آب، بستگی به ظر فی دارد که در آن است. مثلا این مقدار آب، یک استکان را پر می‌کند و دیده می‌شود اما همین مقدار آب روی این بیابان چیزی نیست.» او سپس در ادامه توضیحاتش آب لیوان را روی ریگ‌های داغ بیابان ریخت و گفت نگاه کنید. فقط گفت پیس و تمام شد! دور رهگذر با قبول توضیحات رهگذر سوم، حسایی از او تشکر کردند و راهشان را ادامه دادند. مرد تشنه نیز نه به دلیل تشنگی، بلکه به دلیل فشارهای عصبی وارد ده‌چار سکنه قلبی شد و مُرد!

یادش به خیر



لطفا ادامه بدید!
• ستون ماوشماروبه جایی برای پیامک‌های بهتر، پرمحتوا و متنوع تبدیل کنید. چون این ستون تبدیل شده به محل پیامک‌های متفرقه!
• از نانوالماس هم بنویسین.

شماره تلگرام
همشهری سلام
برای سوره‌های شما:
۰۹۲۵۳۹۲۵۶۶

آکهی فراخوان مناقصه عمومی شماره ۹۷/۳۱۷ (نوبت اول)

شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی

این شرکت در نظر دارد برق رسانی به روستای آب تلخ شهرستان سرخس را از محل اعتبارات طرح تملک دارائی‌های سرمایه‌ای عمرانی (عوارض برق) با مبلغ برآورده ۴/۱۹۱ میلیون ریال، از طریق مناقصه عمومی و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از تمامی پیمانکارانی که دارای رتبه حداقل ۵ در رشته نیرو (برق) از سازمان مدیریت و برنامه ریزی هستند دعوت می‌شود جهت کسب اطلاعات تکمیلی به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

دفتر روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی